



فرم گزارش کارشناسی

(پیوست شماره ۱) دستورالعمل تشکیل و نحوه اداره جلسات شوراهای استانی گفتگوی دولت و بخش خصوصی

شناسه	قانون - مقررات - رویه اجرایی	تاریخ تهیه گزارش	۱۴۰۴/۰۵/۲۵
عنوان موضوع	بررسی مشکلات بانکی فعالان اقتصادی		
مرجع طرح موضوع	کمیسیون کارآفرینی، اقتصاد دانش بنیان و بهبود محیط کسب و کار		
شرح موضوع	واحدهای تولیدی کوچک و متوسط به دلیل نقش آفرینی گسترده در اشتغال و ایجاد ارزش افزوده و واحدهای بزرگ صنعتی به دلیل سهم کلیدی در صادرات و رشد اقتصادی، هر دو نیازمند سیاستهای اعتباری متمایز و هدفمند هستند. در شرایط کنونی، محدودیتهای دسترسی به سرمایه در گردش، تمرکز بیش از حد بر وثایق ملکی و ضعف ابزارهای نوین تأمین مالی، موجب اختلال در گردش نقدینگی و کاهش ظرفیت هر دو گروه شده است. اما شدت آسیب پذیری در واحدهای کوچک و متوسط به مراتب بیشتر است و واحدهای تولیدی کوچک و متوسط به دلیل وابستگی شدید به منابع بانکی و ناتوانی در تأمین مالی، بیشترین فشار را متحمل می شوند. این وضعیت نه تنها تهدیدی برای بقای این بنگاهها محسوب می شود، بلکه با کاهش ظرفیت تولید و اشتغال، آثار منفی قابل توجهی بر پویایی کل اقتصاد برجای می گذارد. همین امر ضرورت توجه ویژه به واحدهای تولیدی کوچک و متوسط برای بقاء و استمرار فعالیت دوچندان می سازد. با توجه به شرایط فعلی اقتصاد، همه واحدهای تولیدی بالاخص واحدهای کوچک و متوسط که برای بقاء بیش از هر زمان دیگر نیازمند تأمین مالی هستند، محدودیت در ارائه تسهیلات بانکی به یکی از مهم ترین موانع پیش روی شبکه بانکی و فعالان اقتصادی تبدیل شده است. نرخ سپرده قانونی، به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی سیاست گذاری پولی، نقش تعیین کننده ای در میزان نقدینگی قابل تخصیص بانکها دارد. به گونه ای که هرچه این نرخ بالاتر باشد، منابع کمتری در اختیار بانکها برای اعطای تسهیلات قرار می گیرد. در شرایط فعلی، بالا بودن نرخ سپرده قانونی سبب شده دسترسی بانکها به منابع مالی محدود شود و این امر مانع از تأمین به موقع و کافی سرمایه در گردش واحدهای تولیدی شود. افزون بر این، الزامات مربوط به سقف مجاز تسهیلات دهی نیز در صورت تجاوز از حدود تعیین شده، بانکها را مشمول جرایم و محدودیت های نظارتی می سازد؛ موضوعی که هرچند با هدف کنترل نقدینگی و حفظ ثبات پولی اعمال می شود، اما در عمل ظرفیت اعتباری بانکها را کاهش داده و امکان حمایت مؤثر از تولید و فعالیت های مولد اقتصادی را به شدت محدود کرده است. در این میان با وجود چالش های کمبود نقدینگی و نیاز مبرم بخش تولید به منابع مالی، به ویژه واحدهای کوچک و متوسط، برای ادامه فعالیت و حفظ ظرفیت های تولیدی، عملکرد بانک های خصوصی در تأمین منابع مالی، همچنان فاصله قابل توجهی با توان بالقوه و ظرفیت واقعی آنها دارد. بر اساس ماده ۱، بخشنامه بانک مرکزی در خصوص تخصیص و هدایت منابع بانکی با رعایت توازن بین تمامی مناطق کشور و تأمین مالی همراه با طرح های توسعه ای ملی و منطقه ای، مصوب ۱۳۹۹/۰۱/۲۵ هیأت عامل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛^۱ اعلام شد است که با نظر داشت لزوم تأمین مالی طرح های ملی و نیز انجام تکالیف بودجه های سنواتی، بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی که نسبت مجموع تسهیلات اعطایی آنها در هر استان به مجموع سپرده های آنها در همان استان کمتر از ۵۰ درصد می باشد، موظف هستند در یک بازه زمانی معین حداکثر تا پایان سال ۱۴۰۰، نسبت مذکور را به حداقل ۵۰ درصد ارتقاء بخشند. به گونه ای که حداقل ۵۰ درصد منابع سپرده ای قابل تخصیص در هر استان باید به همان استان اختصاص یابد.		

۱: با نظر داشت لزوم تأمین مالی طرح های ملی و نیز انجام تکالیف بودجه های سنواتی، بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی که نسبت مجموع تسهیلات اعطایی آنها در هر استان به مجموع سپرده های آنها در همان استان کمتر از ۵۰ درصد می باشد، موظف هستند در یک بازه زمانی معین حداکثر تا پایان سال ۱۴۰۰، نسبت مذکور را به حداقل ۵۰ درصد ارتقاء بخشند. به گونه ای که حداقل ۵۰ درصد منابع سپرده ای قابل تخصیص در هر استان باید به همان استان اختصاص یابد.



می‌باشد، موظف هستند در یک بازه زمانی معین حداکثر تا پایان سال ۱۴۰۰، نسبت مذکور را به حداقل ۵۰ درصد ارتقاء بخشند. به گونه‌ای که حداقل ۵۰ درصد منابع سپرده‌ای قابل تخصیص در هر استان باید به همان استان اختصاص یابد.

بنا بر گزارش فعالان اقتصادی، بانک‌های خصوصی در عمل از التزام به این تکلیف قانونی سر باز زده و در اعطای تسهیلات به واحدهای تولیدی، عملکردی متناسب با ظرفیت و تعهدات خود از خود نشان نداده و سهم واقعی آن‌ها در حمایت مالی از تولید، بسیار محدود است. علاوه بر این، در مواقعی که استانداری، شورای هماهنگی بانک‌ها، اتاق‌های بازرگانی و سایر مراجع ذی‌صلاح درخواست ارائه آمار و اطلاعات می‌کنند، بانک‌ها از افشای اطلاعات و داده‌های مرتبط خودداری می‌نمایند؛ امتناعی که امکان پایش دقیق و ارزیابی اثربخشی تخصیص منابع و انطباق فعالیت‌های بانک‌های خصوصی را با سیاست‌های اعتباری به‌طور جدی مختل می‌سازد.

حال آنکه مطابق ماده ۸ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات^۲، مؤسسات عمومی و خصوصی موظف‌اند به درخواست‌های دسترسی به اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخ دهند و در هیچ شرایطی، پاسخ‌دهی نباید بیش از ده روز از زمان دریافت درخواست به تأخیر بیفتد. این الزام قانونی بر ضرورت نظارت مستمر و اجرای شفاف و فوری تکلیف قانونی توسط بانک‌ها تأکید دارد و روشن می‌سازد که هر گونه امتناع یا تأخیر در ارائه اطلاعات، علاوه بر نقض صریح قانون، امکان ارزیابی دقیق عملکرد اعتباری و تخصیص بهینه منابع مالی به بخش تولید را به‌طور جدی مختل می‌کند.

از سوی دیگر، پدیده بنگاهداری بانک‌ها نیز به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی نظام بانکی کشور، موجب کاهش منابع نقدی قابل تخصیص به بخش تولید شده و توان حمایت مالی از کسب‌وکارها و واحدهای اقتصادی را به‌شدت محدود کرده است. در واقع، انحراف منابع بانکی به سمت فعالیت‌های غیرمولد و سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات، نه تنها با فلسفه وجودی بانک‌ها در تضاد است بلکه یکی از عوامل اصلی کمبود نقدینگی در چرخه تولید محسوب می‌شود. به‌عنوان نمونه، بانک آینده با تمرکز درصد بالایی از منابع خود در فعالیت‌های غیرمولد و سرمایه‌گذاری در سایر امورات خارج از وظایف قانونی خود، نه تنها از فلسفه وجودی بانک‌ها فاصله گرفته، بلکه به‌طور مستقیم در تشدید کمبود نقدینگی در چرخه تولید نقش داشته است.

این در حالی است که مطابق مواد (۱۶) و (۱۷) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و نیز بند ۱، ماده (۳۴) قانون پولی و بانکی کشور^۳، هرگونه بنگاهداری و سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها در حوزه‌های غیرمرتبط با عملیات بانکی صراحتاً ممنوع شده است. با وجود این ممنوعیت قانونی، استمرار بنگاهداری بانک‌ها باعث کاهش سهم واقعی بخش تولید از منابع مالی شده و در کنار عدم پایبندی به ضوابط بانک مرکزی و محدودیت اختیارات مدیران بانکی در سطح استان، مانع جدی در مسیر تأمین مالی سریع و کارآمد برای بخش تولید و بازرگانی به‌شمار می‌رود.

از منظر خبرگان اقتصادی نکته حائز اهمیت آن است که همان میزان کمی از تسهیلاتی که بانک‌ها در اختیار واحدهای تولیدی قرار می‌دهند نیز تحت‌الشعاع رویه‌ای غیرقانونی و مغایر با مقررات قرار گرفته است. بر اساس گزارش فعالان اقتصادی، برخی بانک‌ها معادل ۲۵ درصد از تسهیلات اعطایی را به‌صورت بلوکه در حساب متقاضیان نگهداری می‌کنند. این اقدام علاوه بر آنکه به‌طور جدی منابع نقدی در دسترس بنگاه‌ها را کاهش داده و کارکرد اصلی تسهیلات در تأمین سرمایه در گردش و بهبود جریان نقدینگی را بی‌اثر می‌سازد، با مقررات و بخشنامه‌های رسمی بانک مرکزی در تضاد آشکار قرار دارد. به‌ویژه طبق بخشنامه شماره ۰۳/۳۷۵۵۱۷

۲: مؤسسه عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخ دهد و در صورت مدت زمان پاسخ نمی‌تواند حداکثر بیش از ده روز از زمان دریافت درخواست باشد. آیین نامه اجرایی این ماده ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون بنا به پیشنهاد کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

۳: انجام عملیات زیر برای بانک‌ها ممنوع است:

۱- خرید و فروش کالا به منظور تجارت.

معاملات غیرمنقول جز برای بانک‌هایی که هدف آنها انجام معاملات غیرمنقول است.



فرم گزارش کارشناسی

(پیوست شماره ۱) دستورالعمل تشکیل و نحوه اداره جلسات شوراهای استانی گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی

مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۳ بانک مرکزی^۴، هرگونه بلوکه‌سازی بخشی از تسهیلات اعطایی به مشتریان در قالب سپرده‌های مختلف، به‌صراحت ممنوع اعلام شده است. بنابراین، بلوکه کردن بخشی از تسهیلات نه‌تنها مصداق بارز نقض حقوق فعالان اقتصادی است، بلکه نشان‌دهنده بی‌اعتنایی آشکار برخی بانک‌ها به تکالیف قانونی و مأموریت محوری آن‌ها در حمایت از تولید و پشتیبانی از فعالیت‌های مولد اقتصادی به‌شمار می‌رود.

از سوی دیگر، سیاست افزایش نرخ بهره بانکی نیز چالش مضاعفی برای واحدهای تولیدی ایجاد کرده است. به این معنا که حتی در مواردی که تسهیلات در اختیار فعالان اقتصادی قرار می‌گیرد، به‌دلیل نرخ‌های بالای سود تسهیلات، استفاده از این منابع فاقد توجیه اقتصادی است. در شرایطی که نرخ تورم سالانه کشور در حدود ۴۰ درصد برآورد می‌شود، هزینه تأمین مالی از طریق وام‌های بانکی به‌گونه‌ای سنگین است که نه‌تنها امکان سرمایه‌گذاری جدید و توسعه فعالیت‌ها را از بنگاه‌ها سلب می‌کند، بلکه در بسیاری موارد بازپرداخت اصل و سود تسهیلات نیز به معضلی جدی برای واحدهای تولیدی تبدیل می‌شود. به بیان دیگر، نرخ‌های بهره بالا در کنار شرایط تورمی موجود، کارکرد حمایتی نظام بانکی را خنثی کرده و عملاً مانعی در مسیر پایداری و رشد تولید به شمار می‌آید.

در این میان فعالان اقتصادی که قصد دارند از تسهیلات بانکی برای بازسازی ساختار مالی و تسویه بدهی‌های معوق واحدهای تولیدی بهره‌مند شوند، با محدودیت‌های جدی مواجه هستند. بر اساس ماده ۷ دستورالعمل ایجاد محدودیت در ارائه خدمات بانکی برای عدم ایفای تعهد صادرکنندگان^۵ مصوب ۱۴۰۳، بانک مرکزی اعلام کرده است که حداقل ۸۰ درصد از تعهدات ارزی معوق متقاضی باید تسویه شده باشد تا امکان دریافت تسهیلات جدید فراهم شود. این سیاست، با هدف ایجاد انضباط اعتباری طراحی شده، اما در عمل توان واحدهای تولیدی برای بازسازی سرمایه در گردش و مدیریت نقدینگی محدود می‌کند.

طرح‌های تسهیلاتی پیش‌بینی شده در طرح رونق تولید یکی از طرح‌های حمایتی دولت می‌باشد که با هدف تقویت ساختار سرمایه در گردش، ارتقای نقدینگی عملیاتی و افزایش ظرفیت تولیدی واحدهای صنعتی و تولیدی تدوین شده‌اند. متأسفانه اجرای عملی این تسهیلات با محدودیت‌های ساختاری مواجه است؛ از جمله پیچیدگی فرآیند تخصیص منابع، عدم شفافیت معیارهای انتخاب پروژه‌ها و محدودیت هماهنگی میان بانک‌ها و دستگاه‌های سیاست‌گذار که باعث شده اثرگذاری این ابزارهای اعتباری بر بهبود نقدینگی و توسعه تولید در سطح بنگاه‌ها به‌طور کامل محقق نشود.

با وجود اینکه در شرایط اضطراری، مراجع ذی‌ربط اقدام به صدور بخشنامه و اعلام اجرای ماده ۶ بسته حمایتی موضوع مصوبه شماره ۱۳۴۰۰ هیأت وزیران^۶ نموده و بر تأمین تسهیلات مالی برای واحدهای تولیدی حائز اولویت تأکید کرده‌اند، عملاً این تسهیلات علی‌رغم ظرفیت و چارچوب پیش‌بینی‌شده در ماده مذکور تاکنون اجرایی نشده است. به این ترتیب، واحدهای تولیدی

۴: همان گونه که در بخشنامه‌های متعدد قبلی از جمله بخشنامه ای شماره ۹۱/۶۲۶۶۸ مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۰ شماره ۹۳/۲۲۴۳۰۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۱ شماره ۹۴/۶۲۳۵۸ مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۲ شماره ۹۵/۲۲۵۱۴۹ مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۵ و شماره ۹۹/۱۰۰۸۳۲ مورخ ۱۳۹۹/۴/۹ به کرات تأکید گردیده است بلوکه نمودن بخشی از تسهیلات اعطایی به مشتریان در قالب انواع سپرده‌ها توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی ممنوع می‌باشد.
۵: در صورت وجود تعهدات سررسید شده ایفا نشده، صادرکنندگان پس از مهلت قانونی مصوب کارگروه بازگشت ارز و با هر میزان درصد بازگشت ارز، مراتب وفق مفاد ماده‌های (۳) و (۱۲) آیین‌نامه اجرایی جهت معرفی به دستگاه قضایی اقدام می‌گردد.

۶: بانک مرکزی ج.ا.مکلف است پس از تصویب در هیأت عالی یا سایر ارکان ذی‌صلاح خود نسبت به تمهید سازوکارهای مربوط به تأمین منابع مالی ضروری با اولویت سرمایه در گردش برای صنایع و خدمات حائز اولویت در بند (۱) و واحدهای آسیب‌دیده و متأثر از شرایط اضطراری، همچنین تنفس یا تمدید تسهیلات سررسید شده قبلی و رفع موقت آثار محدودکننده دریافت خدمات بانکی ناشی از چک برگشتی صنایع و خدمات موضوع بند (۱) این مصوبه توسط نظام بانکی برای دوره شرایط اضطراری اقدام نماید. دستورالعمل اجرایی این بند به پیشنهاد بانک مرکزی ج.ا.مکلف و با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان برنامه و بودجه کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی، طی یک هفته از ابلاغ این مصوبه تدوین و ابلاغ می‌گردد.

تبصره ۱- با درخواست مشتریان، مصوبات اعتباری (حد/سقف اعتباری) که تاریخ اعتبار/سررسید آن در بازه زمانی شرایط اضطراری قرار دارد، به مدت دو ماه تمدید می‌شود.

تبصره ۲- در صورتی که مطالبات مؤسسه اعتباری از محل بدهکاران بابت اعتبارات اسنادی/ضمانت‌نامه‌های پرداخت‌شده حداکثر پس از سه ماه وصول نشود، مطالبات مذکور به طبقه مشکوک‌الوصول منتقل می‌شود.

تبصره ۳- با درخواست واحدهای تولیدی حائز اولویت مصرح در بند (۱) و تأیید وزارتخانه ذی‌ربط، حد/سقف اعتبار بانکی این واحدها در بازه زمانی شرایط اضطراری، به میزان ۵۰ درصد افزایش می‌یابد.



همچنان از بهره‌مندی از حمایت‌های مالی مندرج در این مصوبه، شامل تمدید تسهیلات، افزایش سقف اعتبارات و رفع محدودیت‌های خدمات بانکی، محروم مانده‌اند. این تأخیر در اجرا، آشکارکننده فاصله موجود میان تصویب قانونی سیاست‌ها و عملیاتی شدن آن‌ها توسط نظام بانکی و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط است. از دیگر چالش‌های اساسی در استان گردش مالی شرکت‌های بیمه‌ای، شامل حق بیمه‌های دریافتی، ذخایر فنی، سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و پرداخت خسارت‌ها، منابع مالی فروشگاه‌های زنجیره‌ای و برخی از شرکت‌های استان است که عمدتاً حجم قابل توجهی دارد، اما مرکز تصمیم‌گیری و تخصیص این منابع عمدتاً خارج از استان مستقر است. تمرکز منابع مالی خارج از استان باعث می‌شود نقدینگی بالقوه قابل توجهی که می‌تواند توان مالی بانک‌های استان را تقویت و ظرفیت تسهیلات‌دهی آن‌ها را افزایش دهد، به اقتصاد استان تزریق نشود و فرصت بهره‌برداری و حمایت از پروژه‌های توسعه‌ای و رشد اقتصادی استان از دست برود. محدودیت اختیارات سرپرست بانک‌های استان و تمرکز تمام تصمیمات کلان در بانک مرکزی و تهران موجب می‌شود فرآیند تخصیص منابع مالی کند و ناکارآمد باشد و پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی واحدهای اقتصادی استان دچار اختلال شود. این وضعیت توان بانک‌های استانی را در هدایت منابع به سمت فعالیت‌های مولد و بنگاه‌های تولیدی کاهش داده و امکان حمایت از سرمایه در گردش و استمرار فعالیت‌های تولیدی را محدود می‌کند. در بلندمدت، فقدان اختیارات محلی می‌تواند به کاهش کارایی اعتباری بانک‌ها و اختلال در جریان نقدینگی به بخش‌های مولد اقتصاد منجر شود. ادامه اعطای تسهیلات تکلیفی بدون تعیین تمرکز مشخص یا سهم‌بندی منابع برای هر بانک، موجب پراکندگی اعتبارات و ناکارآمدی در تخصیص آن‌ها به بخش‌های مولد اقتصادی می‌شود. این رویه نه تنها منابع لازم برای سرمایه در گردش و توسعه تولید را کاهش می‌دهد، بلکه بانک‌ها را با ریسک‌های اضافی و الزامات تحمیلی مواجه می‌کند. برعکس، تمرکز مسئولیت اعطای تسهیلات تکلیفی در یک بانک یا تعیین سهم مشخص برای هر بانک، ضمن ساده‌سازی فرآیند اجرایی، امکان هدایت هدفمند منابع بانکی به تولید را فراهم کرده و کارایی کلی نظام اعتباری را افزایش می‌دهد. از این‌رو می‌توان گفت ترکیب محدودیت دسترسی به تسهیلات، فشار تورمی بالا و هزینه سنگین تأمین مالی باعث شده است که نظام بانکی به جای نقش حمایتی، خود به مانعی برای پایداری و رشد تولید تبدیل شود. این وضعیت نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در سیاست‌های اعتباری و طراحی ابزارهای جایگزین حمایت مالی است.	
نرخ بالای سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی، منابع نقدینگی در دسترس سیستم بانکی برای اعطای تسهیلات سرمایه در گردش واحدهای تولیدی را محدود می‌کند. این امر موجب تضعیف چرخه تأمین مالی تولید، کاهش بهره‌وری سرمایه و محدودیت در ظرفیت عملیاتی واحدها می‌شود. این وضعیت فشارهای تأمین مالی را افزایش داده، نرخ هزینه سرمایه را بالا می‌برد و ریسک نقدینگی بنگاه‌ها را تشدید می‌کند، که به کاهش تولید واقعی، افت اشتغال و کندی رشد اقتصادی منجر می‌شود و در سطح کلان، اثرات مخرب بر تعادل مالی و پایداری اقتصادی کشور برجای می‌گذارد. الزامات مرتبط با سقف مجاز تسهیلات‌دهی، در صورت تجاوز بانک‌ها از حدود تعیین‌شده، آن‌ها را مشمول جریمه‌ها و محدودیت‌های نظارتی می‌کند. این محدودیت‌ها، هرچند با هدف کنترل نقدینگی و حفظ ثبات پولی وضع شده‌اند، عملاً ظرفیت اعطای اعتبار بانک‌ها را کاهش داده و توان شبکه بانکی در حمایت مؤثر از واحدهای تولیدی و فعالیت‌های مولد اقتصادی را به‌طور چشمگیری محدود می‌سازند. نتیجه آن کاهش سرمایه در گردش، افزایش هزینه‌های تأمین مالی و تشدید ریسک نقدینگی بنگاه‌ها و نهایتاً اثرات منفی بر رشد اقتصادی و پایداری سیستم مالی کلان است.	ایرادات و مشکلات مطروحه



بخش قابل توجهی از ظرفیت اعتباری بانکهای خصوصی همچنان مغفول مانده و منابع مالی این بانکها به نحو ناکافی به فعالیت‌های مولد و سرمایه‌گذاری‌های تولیدی تخصیص داده نمی‌شود. علی‌رغم وجود الزامات قانونی و سیاست‌های حمایتی دولت برای هدایت منابع بانکی به سمت تولید، بخش عمده‌ای از اعتبارات بانکهای بخش خصوصی صرف فعالیت‌های غیرمولد، سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات و سایر ابزارهای کم‌بازده می‌شود. این وضعیت باعث شده واحدهای تولیدی، به ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط، با محدودیت‌های جدی در تأمین سرمایه در گردش مواجه شوند و توان ادامه فعالیت، حفظ ظرفیت‌های تولیدی و توسعه بازارهای داخلی و خارجی آن‌ها به شدت تحت تأثیر قرار گیرد. در نتیجه، عدم تخصیص بهینه منابع بانکی، نه تنها کارایی نظام مالی را کاهش می‌دهد بلکه رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی در بخش تولید را نیز محدود می‌کند.

امتناع بانکها در ارائه آمار و اطلاعات؛ طبق ماده ۸ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، موجب کاهش شفافیت عملکرد اعتباری و محدود شدن امکان ارزیابی تخصیص منابع به بخش تولید می‌شود. این وضعیت نه تنها تصمیم‌گیری بهینه برای هدایت نقدینگی را مختل کرده و ریسک تخصیص نادرست منابع را افزایش می‌دهد، بلکه نظارت مستمر بر عملکرد شبکه بانکی را دشوار ساخته و فشارهای نقدینگی و محدودیت سرمایه در گردش بنگاه‌ها را تشدید می‌کند، که در نهایت اثرات منفی بر تولید، اشتغال و رشد اقتصادی به همراه دارد.

در این میان بنگاهداری بانکها به‌طور جدی منابع قابل تخصیص به بخش تولید را کاهش داده و ظرفیت شبکه بانکی در حمایت از کسب‌وکارها و واحدهای اقتصادی را محدود کرده است. سرمایه‌گذاری بانکها در فعالیت‌های غیرمولد، به ویژه حوزه املاک و مستغلات، علاوه بر انحراف از مأموریت اصلی نظام بانکی، یکی از عوامل اصلی کمبود نقدینگی در جریان تأمین مالی تولید محسوب می‌شود.

از سوی دیگر تسهیلات اختصاص‌یافته به واحدهای تولیدی، با بلوکه‌سازی بخشی از وجوه توسط برخی بانکها، به‌طور مؤثر کارکرد خود در تأمین سرمایه در گردش و بهبود جریان نقدینگی را از دست داده‌اند. این رویه، علاوه بر تضاد آشکار با بخشنامه‌های بانک مرکزی، ظرفیت نظام بانکی در حمایت از فعالیت‌های مولد اقتصادی را محدود کرده و فشار نقدینگی بر بنگاه‌ها را تشدید می‌کند، که در نهایت منجر به کاهش بهره‌وری، افت تولید و تهدید ثبات اقتصادی می‌شود.

سیاست افزایش نرخ بهره بانکی، به‌عنوان مانعی مضاعف برای واحدهای تولیدی عمل می‌کند؛ حتی در صورتی که تسهیلات در دسترس قرار گیرد، هزینه بالای تأمین مالی، جذابیت اقتصادی استفاده از وام‌ها را از بین می‌برد. در شرایط تورم سالانه نزدیک به ۴۰ درصد، بازپرداخت اصل و سود تسهیلات، فشار مالی قابل توجهی بر بنگاه‌ها وارد می‌کند و ظرفیت آن‌ها برای سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌های تولیدی را محدود می‌سازد. به این ترتیب، ترکیب نرخ‌های بهره بالا و تورم، نقش حمایتی نظام بانکی را خنثی کرده و تهدیدی مستقیم برای پایداری و رشد تولید محسوب می‌شود.

واحدهای تولیدی که به دنبال بازسازی ساختار مالی و تسویه بدهی‌های معوق خود هستند، با محدودیت‌های شدیدی در دسترسی به تسهیلات بانکی مواجه‌اند. بر اساس مقررات موجود، از جمله شرط تسویه حداقل ۸۰ درصد تعهدات ارزی معوق، بسیاری از بنگاه‌ها حتی در صورت نیاز مبرم به سرمایه در گردش و مدیریت نقدینگی، امکان استفاده از منابع بانکی را ندارند. این محدودیت‌ها، اگرچه با هدف تقویت انضباط اعتباری طراحی شده‌اند، عملاً توان تولیدکنندگان را در بازسازی مالی کاهش داده، جریان نقدینگی را محدود می‌کند و روند بهبود عملکرد اقتصادی و توسعه فعالیت‌های تولیدی را با تأخیر مواجه می‌سازد.

طرح‌های تسهیلاتی رونق تولید با هدف ارتقای سرمایه در گردش و افزایش توان عملیاتی واحدهای صنعتی طراحی شده بودند، اما در میدان عمل عملاً نتوانسته‌اند نقش مؤثر خود را ایفا کنند. محدودیت‌های ساختاری مانند فرآیندهای پیچیده تخصیص منابع،



فرم گزارش کارشناسی

(پیوست شماره ۱) دستورالعمل تشکیل و نحوه اداره جلسات شوراهای استانی گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی

عدم شفافیت در انتخاب پروژه‌ها و ضعف هماهنگی میان بانک‌ها و نهادهای سیاست‌گذار باعث شده است که اثر واقعی این تسهیلات بر جریان نقدینگی و توسعه تولید به‌طور ملموس مشاهده نشود.

با وجود صدور بخشنامه‌ها و تأکید بر اجرای ماده ۶ بسته حمایتی مصوب شماره ۱۳۴۰۰ هیأت وزیران، عملاً واحدهای تولیدی نتوانسته‌اند از تسهیلات مالی پیش‌بینی‌شده بهره‌مند شوند. ظرفیت‌ها و ابزارهای تعیین‌شده در این ماده، شامل تمدید تسهیلات، افزایش سقف اعتبارات و رفع محدودیت‌های خدمات بانکی، تاکنون محقق نشده و عملاً اجرا نشدن این مصوبه، فاصله ملموس میان سیاست‌گذاری قانونی و عمل نظام بانکی و نهادهای اجرایی را آشکار ساخته است.

محدودیت منابع بانکی تنها ناشی از سیاست‌ها و تصمیمات دولت نیست؛ بخشی از این محدودیت‌ها به رفتار و ساختار شرکت‌ها نیز مربوط می‌شود. برخی شرکت‌ها، با اینکه در استان فعالیت اقتصادی دارند، بخش عمده گردش مالی و منابع نقدی خود (مثل درآمدها، سرمایه‌گذاری‌ها یا ذخایر مالی) را خارج از استان متمرکز می‌کنند. این موضوع باعث می‌شود که نقدینگی و توان مالی حاصل از فعالیت‌های اقتصادی محلی به اقتصاد استان منتقل نشود و بانک‌ها و سایر نهادهای مالی استانی نتوانند از این منابع برای تسهیلات‌دهی، سرمایه‌گذاری در تولید یا توسعه کسب‌وکارها بهره‌مند شوند.

گردش مالی شرکت‌های بیمه شامل حق‌بیمه‌های دریافتی، ذخایر فنی و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، حجم قابل‌توجهی از منابع مالی را شکل می‌دهد. با این حال، مرکز تصمیم‌گیری و تخصیص این منابع عمده‌تأخیر خارج از استان مستقر است. این تمرکز خارج از استان موجب می‌شود نقدینگی بالقوه‌ای که می‌توانست توان مالی بانک‌های محلی را تقویت و ظرفیت تسهیلات‌دهی آنها را افزایش دهد، به اقتصاد استان وارد نشود و فرصت استفاده از سرمایه‌های بیمه‌ای برای پروژه‌های توسعه‌ای و رشد اقتصادی منطقه از دست برود.

حجم قابل توجه منابع مالی فروشگاه‌های زنجیره‌ای نیز بخش مهمی از نقدینگی بالقوه محلی را تشکیل می‌دهد، اما تصمیم‌گیری درباره تخصیص این منابع اغلب در مراکز خارج از استان انجام می‌شود. این تمرکز بیرونی مانع از تزریق سرمایه به اقتصاد محلی می‌شود و ظرفیت بانک‌ها برای حمایت از طرح‌های توسعه‌ای و پروژه‌های مولد اقتصادی استان را محدود می‌کند.

در صورت فقدان اختیارات گسترده سرپرست بانک‌ها، فرآیند تخصیص منابع مالی با کندی و عدم تطابق با نیازهای واقعی واحدهای اقتصادی همراه خواهد بود. این محدودیت نظارتی و مدیریتی موجب می‌شود امکان هدایت هدفمند اعتبارات به سمت تولید و فعالیت‌های مولد اقتصادی کاهش یابد و پشتیبانی مالی بانک‌ها از سرمایه در گردش بنگاه‌ها دچار اختلال شود. نبود این اختیارات، اثرات منفی بلندمدت بر توان اعتباری بانک‌ها و استمرار جریان نقدینگی به بخش‌های مولد اقتصاد به همراه خواهد داشت.

در صورتی که اعطای تسهیلات تکلیفی بدون تمرکز یا تعیین سهم مشخصی برای هر بانک ادامه یابد، توزیع منابع بانکی با ناکارآمدی و پراکندگی مواجه شده و امکان تخصیص بهینه اعتبارات به بخش‌های مولد اقتصادی محدود می‌شود. این وضعیت موجب می‌شود بانک‌ها با ریسک‌های اضافی مرتبط با تکالیف تحمیلی مواجه شوند، منابع قابل‌تخصیص برای سرمایه در گردش و توسعه تولید کاهش یابد و اثرگذاری سیاست‌های حمایتی دولت در تحریک رشد اقتصادی به حداقل برسد. تمرکز مسئولیت بر یک بانک یا تعیین سهم مشخص برای هر بانک، ضمن کاهش پیچیدگی اجرایی، امکان هدایت هدفمند منابع بانکی به تولید را فراهم کرده و کارایی کل نظام اعتباری را افزایش می‌دهد.



مهدی امینی؛ رئیس کمیسیون بانک، مالیات، کار و تأمین اجتماعی اتاق بازرگانی تبریز: امروزه چالش‌های موجود در حوزه بانکی به شدت گریبان‌گیر صنایع شده است. این در حالی است که ظرفیت قانونی موجود در تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۱ برای حمایت از تولید و اشتغال پایدار، تاکنون به صورت کامل عملیاتی نشده و تحقق آن به تعویق افتاده است. دسترسی به منابع و تسهیلات مندرج در این تبصره عملاً محقق نشده و اثربخشی آن در حمایت از واحدهای صنعتی و بازرگانی مشاهده نمی‌شود.

نکته حائز اهمیت آن است که با وجود کمبود شدید منابع مالی در بخش تولید و محدودیت در ارائه تسهیلات، بانک‌ها بخش عمده منابع خود را به تأمین نیازهای داخلی خود اختصاص می‌دهند. بنگاهداری بانک‌ها، موجب کاهش نقدینگی و محدود شدن منابع مالی جهت تخصیص تسهیلات به بخش‌های تولیدی و بازرگانی شده است که اثرات منفی بر توان مالی و رشد اقتصادی واحدهای صنعتی دارد.

از سوی دیگر بانک‌ها در زمان ارائه تسهیلات ۲۵ درصد از مبلغ وام را به عنوان پیش‌دریافت بلوکه کرده و در اختیار مشتری قرار نمی‌دهد. باید توجه داشت که در صورت عدم پیش‌دریافت و بلوکه‌سازی ۲۵ درصد از تسهیلات ارائه شده به متقاضیان، این سطح محدود از تسهیلات نیز از سوی بانک‌ها به بخش خصوصی تخصیص نمی‌یافت. این روش برخلاف مقررات قانونی بوده و بانک‌ها با استفاده از این روش، منابع را عملاً در اختیار مشتریان قرار نمی‌دهند.

از دیگر چالش‌های اساسی نظام بانکی در استان، می‌توان به فقدان شفافیت و خودداری بانک‌ها از ارائه آمار و اطلاعات دقیق و قابل اتکا، و پایبند نبودن کامل به الزامات، ضوابط و دستورالعمل‌های ابلاغی بانک مرکزی اشاره کرد که این موارد منجر به انحراف از چارچوب‌های نظارتی شده است. همچنین، محدودیت اختیارات مقامات بانکی در فرآیندهای تصمیم‌گیری، یکی از موانع جدی در بهبود عملکرد شبکه بانکی و تسریع در تأمین مالی واحدهای تولیدی و بازرگانی است. همچنین، استمرار پدیده بنگاهداری بانک‌ها، موجب انحراف منابع از مأموریت اصلی آن‌ها و کاهش توان تخصیص اعتبار به بخش‌های مولد شده است؛ از این رو، خاتمه این روند، ضرورتی فوری برای هدایت منابع بانکی به سمت فعالیت‌های اصلی اقتصادی و تقویت تولید ملی به شمار می‌آید.

نوید امجد؛ رئیس کمیسیون کارآفرینی، اقتصاد دانش‌بنیان و بهبود محیط کسب و کار اتاق: در فرآیند بررسی و پیگیری مسایل و مشکلات، رعایت اصل طبقه‌بندی مسایل و راهکارها اهمیت اساسی دارد؛ چرا که بخشی از مشکلات مستقیماً به نهادهای مشخصی مرتبط است، در حالی که برخی دیگر به سطوح بالاتر و نهادهایی چون شورای پول و اعتبار بازمی‌گردد. نمایندگان بخش خصوصی باید توانایی تفکیک و دسته‌بندی صحیح این مسائل را داشته باشند تا هر موضوع در سطح و مرجع ذی‌ربط پیگیری شود. بدیهی است مواردی که ماهیت ملی داشته و فراتر از محدوده استانی هستند، صرفاً باید از مسیرهای رسمی در سطح کشوری دنبال شوند.

زمانی که بسته‌های حمایتی از سوی دولت ابلاغ می‌شود، محور اصلی این بسته‌ها در حوزه حمایت از بنگاه‌ها عمدتاً به ارائه تسهیلات بانکی محدود می‌شود. در حالی که تجربه سال‌های گذشته، به‌ویژه در دوران بحران اقتصادی ناشی از شیوع کرونا، نشان داد که بانک مرکزی با کاهش نرخ سپرده قانونی بانک‌ها به حدود ۹ تا ۱۰ درصد، امکان تزریق نقدینگی و حمایت مؤثرتر از تولید و کسب‌وکارها را فراهم ساخته بود. با این وجود، در شرایط فعلی نرخ سپرده قانونی به ۱۱ درصد افزایش یافته است. حال آنکه وضعیت اقتصادی کشور، تحریم‌های موجود و حتی آثار منفی جنگ ۱۲ روزه، نسبت به دوران کرونا در شرایط بهتری نیست. تفاوت اساسی آن است که در دوران کرونا فشارهای اقتصادی متوجه کل جامعه بود، اما اکنون بار اصلی این شرایط دشوار، به‌طور مستقیم بر دوش فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان قرار گرفته است.

جمع‌بندی جلسه
کارگروه تخصصی
(کارشناسی) به تاریخ
۱۴۰۴/۰۵/۱۴



فرم گزارش کارشناسی

(پیوست شماره ۱) دستورالعمل تشکیل و نحوه اداره جلسات شوراهای استانی گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی

ضروری است این موضوع به صورت رسمی و هماهنگ از سوی تمامی نهادهای ذی ربط به بانک مرکزی اعلام شود. اگر دغدغه بانک مرکزی، کنترل نرخ تورم است، باید مدنظر قرار دهد که اعطای تسهیلات تکلیفی به خانوارها، از منظر تأثیرگذاری بر تورم، به مراتب اثرگذارتر از کاهش نرخ سپرده قانونی خواهد بود. در شرایط فعلی، کاهش نرخ سپرده قانونی نه تنها اثر تورمی قابل توجهی به دنبال نخواهد داشت، بلکه می تواند با بهبود جریان نقدینگی، امکان تأمین مالی گسترده تر برای واحدهای تولیدی و اقتصادی را فراهم آورد. بدیهی است که در صورت عدم اصلاح این سیاست، بسته های حمایتی پیشنهادی دولت و وزارت صنعت، معدن و تجارت عملاً قابلیت اجرا نخواهند داشت.

در حال حاضر، بانک های تخصصی و صنعتی به دلیل محدودیت های ناشی از مغایرت با قوانین موجود، امکان ارائه تسهیلات فراتر از چارچوب تعیین شده را ندارند. به عبارت دیگر، در صورتی که میزان تسهیلات اعطایی از سقف مجاز مرتبط با سپرده قانونی فراتر رود، بانک ها مشمول جرایم و محدودیت های نظارتی خواهند شد. این مسئله صرفاً محدود به استان ما نبوده و ماهیتی کاملاً ملی دارد. با این وجود، می توان از طریق تصویب و پیگیری موضوع در شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی در سطح ملی، نسبت به اصلاح رویکردهای حاکمیتی در حوزه سیاست های پولی اقدام کرد. بدیهی است این فرآیند باید از سطح ملی آغاز و پس از ابلاغ، در استان ها اجرایی شود.

در پایان، از تشکل های اقتصادی درخواست می شود در جلسات، مشکلات و موانع خود را به صورت شفاف و مستند مطرح کرده و در مسیر یافتن راهکار، هماهنگی و هم راستایی لازم را با سایر اعضا حفظ کنند.

جلیل فایض پور؛ رئیس هیئت مدیره شرکت نوسازان فولاد آباد صنعت: شرکت ما در زمستان سال گذشته، محصول نهایی خود را که با احتساب هزینه های مواد اولیه، تولید، حمل و نقل و سایر هزینه ها تهیه شده بود، با قیمت ۵۵ هزار تومان به بازار عرضه کرد. از آن زمان تاکنون، نرخ بهره های بانکی افزایش یافته و در صورت بدهکاری، مبالغ پرداختی به بانک ها نیز به مراتب بیشتر شده است. این امر به طور طبیعی منجر به افزایش قیمت تمام شده می شود. این در حالی است که قیمت محصول در شرکت ما اکنون به ۵۰ هزار تومان کاهش یافته است. در شرایط کنونی، درآمدهای حاصل از فروش شرکت ها حتی قادر به تأمین نیمی از هزینه های عملیاتی نیست و از سوی دیگر، سرمایه های شرکت ها نیز در فضای اقتصادی موجود کشور با شتاب قابل توجهی در حال کاهش است.

با وجود تمامی مشکلات مذکور، به ویژه در شرایطی که تسهیلات بانکی به درستی تخصیص نمی یابد، شرکت ها با بحران های مالی جدی مواجه شده اند. در این شرایط، گزینه تعدیل نیرو به هیچ وجه قابل اجرا به نظر نمی رسد؛ چرا که علاوه بر دشواری های عملی و اجرایی، از منظر اخلاقی نیز چنین اقدامی به شدت نامطلوب و غیرقابل قبول است.

تورج جودی، دبیر انجمن صنایع غذایی: با توجه به ویژگی های خاص صنعت غذایی، مدت زمان گردش مالی در این بخش به مراتب بیش از سایر صنایع است. متأسفانه، سقف تعیین شده بانک ها برای گردش مالی، به نوعی ناعادلانه و نامتناسب با نیازهای صنایع غذایی و صنایع تبدیلی به شمار می آید. از این رو، تقاضا داریم سیاست گذاری ها به گونه ای اصلاح شود که متناسب با ماهیت و الزامات هر صنعت، راهکارهای مالی متفاوت و ویژه ای اتخاذ شود.

از دیگر مشکلات موجود، وجود واسطه ها و دخالت عامل سوم در فرآیند اعطای تسهیلات است؛ در حالی که رابطه اصلی و مستقیم باید میان بانک و مشتری برقرار باشد، اما بانک مرکزی با صدور دستورالعمل ها و مقررات خاص در این حوزه، روند طبیعی این ارتباط را دچار اختلال کرده است.



از سوی دیگر، به دلیل مشکلات اقتصادی کلان در کشور، بانک‌ها نرخ بهره را افزایش داده‌اند که این امر موجب شده دریافت تسهیلات برای تولیدکنندگان از نظر اقتصادی توجیه‌ناپذیر شود. علاوه بر این، یکی از چالش‌های مهم دیگر، دستوری بودن قیمت‌ها از سوی دولت است که سبب ایجاد اختلال در بازار و افزایش فشارهای مالی و عملیاتی بر تولیدکنندگان شده است.

مهدی خدادادی؛ دبیر انجمن اپکس: عمده مشکلات فعالان اقتصادی ناشی از سیاست‌ها و مقررات ابلاغی شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی است.

مهمترین مشکل تولیدکنندگان این است که عملاً هیچ مانده حساب نقدی قابل توجهی ندارند و بخش عمده سرمایه‌های آنان صرف تأمین مواد اولیه می‌شود. از دیگر مشکلات اساسی تولیدکنندگان این است که بر اساس مقررات جاری، تنها در صورت تسویه حداقل ۸۰ درصد از تعهدات بانکی قبلی خود قادر به دریافت تسهیلات جدید هستند.

در حالی که دریافت همین تسهیلات برای تولیدکنندگان امری ضروری است تا بتوانند تعهدات معوق خود را پرداخت کرده و به تداوم فعالیت‌های اقتصادی خود ادامه دهند.

مسئله مهم دیگری که باید به آن اشاره شود، وضعیت نامطلوب سرمایه‌گذاری در حوزه ساخت تجهیزات است؛ به گونه‌ای که از سال ۱۳۹۴ تاکنون، روند سرمایه‌گذاری در این بخش منفی شده و پیامدهای منفی فراوانی را به همراه داشته است. همچنین در حوزه انرژی، توجه کافی به موضوع صرفه‌جویی نشده است؛ به عنوان نمونه، ما موفق به طراحی خط تولیدی شده‌ایم که می‌تواند مصرف انرژی را تا ۶۰ درصد کاهش دهد، اما متأسفانه این نوآوری و ابتکار ارزش‌گذاری و حمایت لازم را دریافت نکرده است.

قوانین و مقررات کشور باید به صورت بنیادین بازنگری و متناسب با اهداف توسعه اقتصادی تدوین شوند، چرا که قوانین کنونی نه تنها با فرآیندهای رشد اقتصادی هم‌خوانی ندارند، بلکه مانع تحقق توسعه پایدار شده و نیازمند اصلاحات اساسی و جدی هستند.

یاشار ناظر عدل؛ مدیر عامل شرکت ایفا صنعت غرب: از دیدگاه بانک‌ها، دریافت سود تسهیلات کمتر از حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد از متقاضیان، فاقد توجیه اقتصادی ارزیابی می‌شود؛ به همین دلیل، بسیاری از بانک‌ها به جای تمرکز بر اعطای تسهیلات به بخش‌های مولد، به فعالیت‌های بنگاهداری و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های غیرمولد روی آورده‌اند که بازدهی سریع‌تر و ریسک کمتری برای آن‌ها دارد.

استان ما تنها استانی است که هنوز به سیستم تأمین مالی نوین روی نیاورده است؛ به عنوان مثال، تعداد شرکت‌های حاضر در بورس در تبریز بسیار محدود است، در حالی که بیش از ۸۰ درصد شرکت‌ها از ظرفیت حضور در بازار سرمایه برخوردارند. بر این اساس، ضروری است که از سیستم‌های نوین مالی و ابزارهای تأمین مالی مدرن بهره گرفته شود تا امکان توسعه پایدار و ارتقاء توانمندی اقتصادی فراهم شود.

حسن قالیچه‌باف و ثوقی؛ مدیر عامل شرکت ایلکین: کاهش نرخ سپرده قانونی توسط بانک مرکزی می‌تواند بهبود قابل توجهی در وضعیت تأمین مالی ایجاد کند و ظرفیت بانک‌ها برای اعطای تسهیلات را افزایش دهد. علاوه بر این، افزایش اختیارات بانک‌های استانی در فرآیند تصمیم‌گیری، می‌تواند نقش مؤثری در افزایش حجم تسهیلات پرداختی به صنایع استان ایفا نماید.

بهراد فرشاد؛ رئیس انجمن سازندگان ماشین، قطعه و مجموعه‌های خودرو استان: تمامی واحدهای اقتصادی با مشکلات بانکی اعم از دریافت تسهیلات و تأمین مالی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. اما مهم‌ترین و اساسی‌ترین چالش‌ها متوجه واحدهای کوچک و متوسط است، چرا که این بخش‌ها به دلیل آسیب‌پذیری بالا، قادر به تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش کافی نیستند.



فرم گزارش کارشناسی

(پیوست شماره ۱) دستورالعمل تشکیل و نحوه اداره جلسات شوراهای استانی گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی

باید به این نکته توجه داشت که واحدهای کوچک و متوسط بخش حیاتی و تأثیرگذاری از زنجیره تأمین واحدهای بزرگ را تشکیل می‌دهند. در صورتی که این زنجیره دچار اختلال یا فروپاشی شود، واحدهای بزرگ نیز با آسیب‌های جدی و گسترده مواجه خواهند شد. اتاق بازرگانی تبریز باید با تدوین تدابیر راهبردی و برنامه‌های هدفمند، حفظ و پایداری زنجیره تأمین واحدهای کوچک و متوسط را تضمین نماید. در صورتی که بتوان صنایع بزرگ را به سمت تأمین مالی از طریق بازار سرمایه هدایت کرد، این امر می‌تواند به بهبود شرایط واحدهای کوچک و متوسط نیز منجر شود و آن‌ها را از وضعیت بحرانی فعلی خارج سازد.

به‌عنوان نمونه، شرکت تراکتورسازی تبریز به عنوان یکی از صنایع مطرح استان، تا پایان سال ۱۴۰۳ زنجیره تأمین خود را با شرکت‌های کوچک و متوسط حفظ کرده بود، اما در حال حاضر این ارتباط زنجیره‌ای دچار اختلال و ضعف قابل توجهی شده است.

رضا جعفری؛ رئیس محترم انجمن صنایع غذایی: مسأله مربوط به شرکت تراکتورسازی مدت‌هاست که در اتاق بازرگانی در دست بررسی قرار دارد. از تمامی شرکت‌هایی که قراردادهای ۱۲۰ روزه آن‌ها با شرکت تراکتورسازی به پایان رسیده است، درخواست می‌شود نسبت به اطلاع‌رسانی به موقع از طریق اتاق بازرگانی تبریز اقدام نمایند تا بتوان در جلسات آتی پیگیری‌های لازم به‌صورت جامع و موثر انجام شود.

مجید عصری زمانی؛ مدیر عامل محترم شرکت مجد زمان مانی: برای برون‌رفت از وضعیت موجود، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. حذف الزام میانگین موجودی حساب به‌عنوان پیش‌نیاز دریافت تسهیلات تولیدی و صنعتی

۲. حذف مسدودی ۳۰ درصدی تسهیلات اعطایی

۳. تخصیص تسهیلات ویژه جهت سرمایه در گردش واحدهای تولیدی

۴. افزایش ضریب اعطای تسهیلات به واحدهای تولیدی به ۵ تا ۱۰ برابر، متناسب با درجه‌بندی و رتبه‌بندی آن‌ها

۵. ارتقاء سهمیه تخصیصی استان در پرداخت تسهیلات بانکی

همچنین، ضروری است توجه شود که مدیریت تأمین مالی در استان از سطح مدرن و به‌روز برخوردار نیست؛ لذا معرفی و پیاده‌سازی ابزارهای مالی نوین امری ضروری به شمار می‌رود.

مهدي رنجبر؛ رئیس کمیته حقوقی کمیسیون کارآفرینی، اقتصاد دانش‌بنیان و بهبود محیط کسب و کار اتاق: حل تمامی مشکلات مطرح شده در این جلسه صرفاً از طریق اصلاح قوانین و مقررات امکان‌پذیر است. متأسفانه بخش عمده این مشکلات ریشه در تصمیمات و سیاست‌های نادرست مجلس دارد و برای رفع آن‌ها لازم است بار دیگر به مراجع قانون‌گذاری مراجعه شود، چرا که راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و فعلی پاسخگوی مسائل نیستند.

هر موضوعی که مطرح می‌شود و حتی به مرحله بررسی در شورای گفت‌وگو می‌رسد، متأسفانه اغلب فاقد بستر قانونی است و به‌درستی در چارچوب‌های حقوقی بررسی نمی‌شود. در نتیجه، مصوباتی که بدون ارزیابی حقوقی دقیق تصویب می‌شوند، قابلیت اجرایی لازم را ندارند. بنابراین، ضروری است هر طرح یا مصوبه‌ای پیش از تصویب، مبنای حقوقی و قانونی خود را به‌روشنی مشخص کند تا از قابلیت اجرایی کامل برخوردار باشد.



ضروری است در اتاق بازرگانی، یک تیم حقوقی تخصصی تشکیل شود، زیرا مسائل حقوقی امروزه به شدت پیچیده و تخصصی شده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را صرفاً در قالب جلسات محدود حل کرد. بانک‌ها نیز خود در وضعیت نامناسب و آشفته‌ای قرار دارند؛ بنابراین، انتظار حل مشکلات بانکی صرفاً از سوی بانک‌ها غیرواقع‌بینانه است.

اکبر کریمی؛ مدیر عامل محترم شرکت لیدر الماس آذرسهند: مشکلات موجود در صنایع مختلف ریشه‌های مشترکی دارند. در کشور ما یکی از چالش‌های اساسی این است که بانک‌ها به صورت جزیره‌ای عمل می‌کنند و قوانین و استراتژی‌های مستقل و جداگانه‌ای دارند که باید به طور مجزا مورد بررسی قرار گیرند. همین موضوع درباره سازمان‌هایی مانند گمرک، بیمه، مالیات و سایر نهادهای مرتبط نیز صدق می‌کند. در حالی که این نهادها بایستی به طور متقابل و در به صورت یکپارچه و هماهنگ در کنار هم قرار گیرند تا زنجیره کامل و منسجمی از اقتصاد موجود را شکل دهند.

مشکلات اقتصادی کشور باید به صورت ریشه‌ای و جامع حل شوند. برای این منظور، لازم است ظرفیت‌ها و چالش‌های اقتصادی کشور، از جمله حوزه‌های بانک، مالیات، انرژی و سایر بخش‌ها به روشنی تبیین شده و در همکاری و هماهنگی کامل با اتاق‌های بازرگانی تمامی استان‌ها مطرح شود. تنها با این رویکرد یکپارچه و فراگیر است که می‌توان مسائل را به قوت و قدرت لازم بیان کرد و گام‌های عملی مؤثر برداشت. مشکلات اقتصادی هرگز حل نخواهند شد مگر آنکه تمامی آن‌ها به صورت یکپارچه دیده شده و تمرکز اصلی بر اصلاحات بنیادین در قانون‌گذاری اقتصادی و مدیریت جامع همه جنبه‌ها باشد.

رضا جعفری؛ رئیس محترم انجمن صنایع غذایی: مشکل اصلی این است که اگرچه قوانین موجود است، اما به درستی اجرا نمی‌شود. دستورالعمل‌های بانک مرکزی مشخص است، اما بانک‌ها به صورت متفاوت و با معیارهای متغیر عمل می‌کنند. سوددهی حدود ۳۰ درصدی بانک‌ها نادرست و غیرمنصفانه است و تاکنون هیچ نهاد نظارتی نسبت به آن واکنشی نشان نداده است. به عنوان نمونه، در ماه گذشته، در حالی که سوددهی قانونی نباید از ۱۸ درصد تجاوز کند، بانک‌ها سودهایی در حدود ۳۴ تا ۳۵ درصد اعمال کردند. هیچ بانکی حاضر نیست به زیان خود عمل کند و همه آن‌ها در وضعیت سودآوری مناسبی قرار دارند، اما این وضعیت مطلوب عمدتاً به قیمت کاهش سرمایه و منابع بخش‌های تولیدی و اقتصادی کشور حاصل شده است.

فعال‌سازی و تقویت دایره حقوقی اتاق بازرگانی تبریز نیز به عنوان بازوی مشورتی و پیگیری تخصصی امور حقوقی بخش بسیار حائز اهمیت است. با توجه به پیچیدگی و زمان‌بر بودن فرآیندهای حقوقی و اقتصادی کشور، حضور نیروهای حقوقی متعهد، متخصص و صادق در این حوزه ضروری است تا بتوانند به صورت مؤثر از منافع فعالان اقتصادی دفاع و مطالبات قانونی آنان را پیگیری نمایند.

فرامرز معلّم‌زاده؛ سرپرست دفتر سرمایه‌گذاری استانداری: با توجه به اعلام رسمی نرخ تورم حدود ۴۰ درصد، انتظار از بانک‌ها برای ارائه تسهیلات با نرخ مصوب ۲۳ درصد در شورای پول و اعتبار، از منظر اقتصادی غیرعملی و فاقد توجیه منطقی است؛ چرا که این نرخ تسهیلات به هیچ وجه تناسبی با واقعیت‌های اقتصادی و شرایط تورمی موجود ندارد و منجر به ایجاد تناقض در سیاست‌گذاری‌های پولی خواهد شد.

متأسفانه در فرآیند تصویب برخی قوانین، تبعات عملیاتی و اجرایی آن‌ها به طور کامل مورد توجه قرار نمی‌گیرد. به عنوان نمونه بانک‌ها مجاز به تملک وثیقه محل اجرای طرح نباشند، اما در عمل این موضوع به محملی برای سوءاستفاده برخی بدهکاران و عدم بازپرداخت تسهیلات تبدیل شده و نهایتاً منجر به تعطیلی واحدهای تولیدی می‌شود، بنابراین صرفاً نباید بانک‌ها را مقصر دانست. همان‌گونه که پیش‌تر در ستاد تسهیل مشاهده شده است، بانک‌ها در این خصوص همکاری لازم را با فعالان اقتصادی داشته‌اند، لیکن اجرای این قانون به فرصتی برای ایجاد مفسده و بهره‌برداری ناصحیح توسط برخی افراد تبدیل شده است.



فرم گزارش کارشناسی

(پیوست شماره ۱) دستورالعمل تشکیل و نحوه اداره جلسات شوراهای استانی گفتگوی دولت و بخش خصوصی

پیشنهاد می‌شود به جای طرح فهرست طولانی از مشکلات، صرفاً یک یا دو مورد از مسائل کلیدی که دارای قابلیت اجرایی نیز هستند، شناسایی و به عنوان اولویت اصلی تعیین شوند. سپس با تمرکز کامل بر این موارد، پیگیری‌های منسجم و هدفمند از طریق مراجع ذی‌ربط انجام گیرد و امکان دستیابی به نتایج ملموس و عملی فراهم شود.

موضوع مهم دیگر این است که با وجود نیاز مبرم بخش تولید به منابع مالی، متأسفانه بانک‌های خصوصی در حال حاضر مشارکت مؤثری در تأمین مالی پروژه‌ها ندارند. این موضوع علیرغم پیگیری‌های مکرر در گذشته، تاکنون بدون پاسخ مانده است. به عنوان نمونه، نسبت مصارف به منابع در بانک تجارت حدود ۱۴۰ درصد بوده، در حالی که این نسبت در بانک‌های خصوصی تنها در حدود ۷ درصد است. عدم واکنش مناسب نسبت به این عملکرد، اعم از اعمال مشوق‌ها یا تنبیهات، موجب تداوم چنین اختلاف چشمگیری شده که آثار مستقیم و منفی بر تحقق اهداف مالی و اقتصادی کشور دارد.

در نهایت پیشنهاد می‌شود اختیارات استان‌ها به منظور ارتقاء توان مدیریتی و نظارتی افزایش یابد؛ لازم به تأکید است که منظور افزایش سطح پرداخت تسهیلات نیست، بلکه تقویت اختیارات تصمیم‌گیری و نظارت بر فرآیندها مدنظر است.

رضا جعفری؛ رئیس محترم انجمن صنایع غذایی: کلیه بانک‌های خصوصی موظفند بر اساس بخشنامه بانک مرکزی، حداقل ۵۰ درصد از منابع جذب‌شده در هر استان را در همان استان و در جهت تأمین مالی واحدهای تولیدی، خدماتی و پروژه‌های اقتصادی مصرف نمایند. با وجود عدم رعایت این الزام توسط بسیاری از بانک‌ها، نمونه‌هایی مانند بانک پارسیان به عنوان الگوی موفق و شایسته تقدیر مطرح هستند. تأکید می‌شود که اجرای کامل این مصوبه توسط تمامی بانک‌های خصوصی الزامی بوده و نظارت مستمر و دقیق بر تحقق آن باید صورت گیرد.

نکته قابل توجه این است که بازگشت سرمایه‌های تخصیص یافته به بانک‌ها از اهمیت حیاتی برخوردار است، چراکه عدم بازپرداخت به موقع تسهیلات موجب کاهش منابع در دسترس بانک‌ها برای اعطای تسهیلات جدید می‌شود. در بسیاری از موارد، منابع بانکی در برخی واحدهای تولیدی و صنعتی بلوکه شده و این اشخاص به دلیل مشکلات مالی یا عدم توانایی در بازپرداخت، قادر به تسویه تعهدات خود نیستند. این امر به کاهش نقدینگی مؤثر بانک‌ها منجر شده و به طور مستقیم توان تسهیلات‌دهی سیستم بانکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این راستا به بانک‌ها، چه در جلسات خصوصی و چه در مجامع عمومی، اعلام کرده‌ایم که هرگاه در خصوص پرونده بانکی یک واحد تولیدی مشکل بسیار مهم و بحرانی وجود داشته باشد، آمادگی کامل داریم تا با همکاری و به صورت محرمانه آن را مدیریت و حل کنیم. اما متأسفانه بانک‌ها در هیچ‌یک از این مسائل از ما درخواست کمک نکرده‌اند. بر اساس اعلام خود بانک دلیل عدم همکاری حفظ اسرار مشتریان و عدم امکان افشای اطلاعات محرمانه آن‌ها است.

گردش مالی اغلب شرکت‌های بیمه‌ای شامل حق بیمه‌های دریافتی، ذخایر فنی، سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، پرداخت خسارت‌ها و سایر جریان‌های نقدی است که حجم قابل توجهی دارد. با این حال، مدیریت این منابع و تصمیمات سرمایه‌گذاری غالباً خارج از استان انجام می‌شود؛ به عبارت دیگر، مرکز کنترل و تخصیص نقدینگی و سرمایه‌گذاری‌ها در خارج از استان مستقر است. این باعث می‌شود که اثر اقتصادی مستقیم این منابع بر بازار مالی محلی و بانک‌های استان محدود باشد و نقدینگی حاصل از فعالیت‌های بیمه‌ای نتواند به تقویت توان مالی و تسهیلات‌دهی بانک‌های استان منجر شود.

ناصر امامی‌فرد؛ مشاور حقوقی اتاق تبریز: عقود بانکی موجود شامل سیزده نوع است که از این میان یازده قرارداد از نوع مشارکتی و دو قرارداد از نوع مبادله‌ای می‌باشند. بررسی مسائل بانکی مستلزم دو رویکردی متفاوت است. نخست، بانک‌ها تخلفات مشخص و مستندی دارند که تا کنون سی و شش مورد از آن‌ها توسط اینجانب مستند شده است. دوم، برخی از فعالان تولیدی در ایفای تعهدات مالی خود به موقع عمل نمی‌کنند که این امر موجب اعتراض و مطالبات قانونی بانک‌ها شده است. با این حال، ضروری



است توجه شود که این مسائل به لحاظ ماهیت و منشأ متفاوت هستند. بخشی از مشکلات ناشی از خلأها و ابهامات آئین‌نامه‌ای و ضعف‌های قانونی است و بخشی دیگر ناشی از عدم اجرای صحیح و کامل مقررات جاری می‌باشد.

پیشنهاد می‌شود فراخوانی رسمی به تمامی واحدهای اقتصادی استان اعلام شود تا مشکلات و موانع بانکی خود را به صورت دقیق و مستند ارائه نمایند. همچنین، تشکیل کارگروهی تخصصی مرکب از حقوقدانان و کارشناسان بانکی با هدف بررسی علمی و مستند این موارد، و ارائه راهکارهای اجرایی اصلاحی، جهت پیگیری و بهبود وضعیت موجود، به شدت مورد تأکید است.

آرش نگهبان؛ اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان: در گزارشی که در نشریه اتاق تبریز منتشر شده، کارنامه سال ۱۴۰۳ برای تسهیلات اعطایی به تفکیک بخش‌های کشاورزی، صنعت، معدن، مسکن، بازرگانی و خدمات نشان داده شده است. در سال ۱۴۰۳، تسهیلات اعطایی به بخش خدمات تقریباً برابر با تسهیلات اختصاص یافته به صنعت و معدن بوده است. برابری در تخصیص تسهیلات به دو حوزه با ماهیت کاملاً متفاوت، محل تأمل جدی است و به نظر می‌رسد ریشه بخشی از مشکلات موجود از همین رویکرد ناشی می‌شود؛ بنابراین، بازنگری در این سیاست و اتخاذ تدابیر متناسب ضروری است.

باید به این نکته توجه داشت که استفاده از ظرفیت‌های قانونی بانک‌ها به شکل مؤثرتر نبوده و فرصت‌های موجود به درستی بهره‌برداری نمی‌شود. این موضوع علاوه بر عدم بهره‌برداری کامل در سطح کشور، در استان با شدت بیشتری مشاهده می‌شود. برخی بانک‌ها در کشور عاملیت ریالی و ارزی صندوق توسعه ملی را بر عهده دارند، اما در استان ما این ظرفیت‌ها یا مورد استفاده قرار نگرفته‌اند، یا اطلاع‌رسانی کافی به واحدهای ذی‌ربط صورت نگرفته است. سهم صنعت و معدن از تسهیلات تبصره ۱۸ حدود ۲۱۳ میلیارد تومان است که علاوه بر رقم ناچیز، تنها حدود ۲۵ درصد آن جذب شده است. سه بانک صنعت و معدن، ملت و توسعه تعاون در این خصوص فعالیت داشته‌اند که در این میان کمترین میزان جذب به بانک توسعه تعاون اختصاص دارد.

برای استفاده از منابع دیگر، باید به تسهیلات ریالی صندوق توسعه ملی توجه ویژه‌ای داشت. اما در خصوص تسهیلات ارزی، به دلیل وجود نااطمینانی‌های مربوط به نرخ ارز و عدم شفافیت در قیمت دریافت و بازپرداخت آن، استقبال کافی صورت نمی‌گیرد.

همچنین ممکن است کمبود انگیزه و اطلاع‌رسانی ضعیف بین بانک‌ها وجود داشته باشد؛ بنابراین ضروری است بانک‌هایی که قرارداد تسهیلات ریالی با صندوق توسعه ملی منعقد می‌کنند، به زیرمجموعه‌های خود در کلیه استان‌ها به‌طور کامل اطلاع‌رسانی کنند تا صنایع نیز بتوانند از این ظرفیت ایجاد شده استفاده کنند. همزمان با آن در استان نیز درخواست کنیم که پرونده‌های مربوط به این تسهیلات در استان تشکیل و سپس صرفاً برای تأیید به مرکز ارسال شود. متأسفانه در سیستم فعلی صندوق توسعه ملی چنین فرآیندی وجود ندارد.

بسته حمایتی ۱۳۴۰۰ مربوط به مصوبه هیئت وزیران یکی از ظرفیت‌های بسیار مهم و مؤثر در شرایط اضطراری است که مصادیق اصلی و ریشه‌ای آن نیز تعیین و ابلاغ شده است. ماده ۶ این بسته تأکید دارد که تسهیل تأمین مالی، بازپرداخت تسهیلات، ترخیص مواد اولیه و ... باید در اولویت قرار گیرد. با این حال، سؤال این است که کدام بانک از این موضوع مطلع است؟ تاکنون تنها بانک صنعت و معدن از این مصوبه مطلع بوده که آن هم به‌طور غیررسمی و از طریق یک ارگان دیگر به این اطلاعات دسترسی پیدا کرده است. آیا منطقی است مصوبه هیئت وزیران به بانک مرکزی و بانک‌های عامل به درستی ابلاغ نشده باشد؟ این مسئله نیازمند پیگیری و شفاف‌سازی فوری است.

متولی ناظر پولی بانک مرکزی در استان، می‌تواند نقش کلیدی در کنترل و پایش فرآیندهای بانکی ایفا کند. به عنوان مثال در حوزه‌هایی مانند ثبت سفارش و اخذ کد ساتپا، مشکلات متعددی مشاهده می‌شود. اما ناظر پولی در استان فاقد اختیارات لازم برای بررسی و رصد مستقیم از طریق سامانه‌ی بانکی است، به‌طوری که نمی‌تواند به‌طور مستمر وضعیت پرونده‌ها را پیگیری کند و



فرم گزارش کارشناسی

(پیوست شماره ۱) دستورالعمل تشکیل و نحوه اداره جلسات شوراهای استانی گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی

فعالان اقتصادی را به‌درستی راهنمایی نماید. این محدودیت دسترسی، کارایی نظارت و حمایت از بنگاه‌های اقتصادی را کاهش داده و مانع از حل به موقع مشکلات اجرایی می‌شود. در صورت افزایش اختیارات ناظر پولی بانک مرکزی استان و اعطای دسترسی به سامانه‌های اطلاعاتی مرتبط، امکان رصد دقیق و به موقع وضعیت پرونده‌ها فراهم شده و ناظر می‌تواند به‌صورت فعال در اطلاع‌رسانی به ذی‌نفعان و پیشگیری از بروز مشکلات اجرایی ایفای نقش نماید.

سایر حوزه‌ها نیز از این امر مستثنی نیستند و با چالش‌های مشابهی مواجه هستند. از این رو، حضور ناظر پولی در استان‌ها و افزایش اختیارات عملیاتی و نظارتی ایشان امری ضروری است و بانک مرکزی موظف به اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه می‌باشد. چرا که این اقدام می‌تواند به تسهیل جریان امور و ارتقاء شفافیت و کارایی در سیستم بانکی استان منجر شود.

موضوع تأمین مالی نوین در استان ما نیز با استقبال قابل توجهی مواجه نشده است. از میان ابزارهای مختلف تأمین مالی نوین، تأمین مالی جمعی ظرفیت برجسته‌ای دارد که می‌تواند به‌سرعت و در کوتاه‌ترین زمان ممکن مبالغ قابل توجهی را جمع‌آوری کند و فرصت مناسبی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی ایجاد نماید.

در بخش سیستم بانکی نیز، یکی از مشکلات اصلی، عدم اطلاع‌رسانی کافی و محدودیت در استفاده از انواع عقود بانکی است. برخی بانک‌ها به‌صورت سنتی تنها به عقد مشارکت مدنی بسنده می‌کنند. از این رو، از بانک مرکزی و دستگاه‌های مرتبط درخواست داریم در اتاق بازرگانی تبریز جلسات، دوره‌های آموزشی تخصصی برای واحدهای تولیدی برگزار کنند. همچنین از شورای هماهنگی بانک‌ها تقاضا داریم نسبت به بررسی و تسهیل کاربرد ۱۳ نوع عقد بانکی اقدام نمایند تا دسترسی به ابزارهای متنوع مالی تسهیل شود.

مصطفی بهنیا؛ مشاور دبیرخانه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان: بستر حقوقی نظام بانکی بر اساس منطق اقتصاد ذی‌نفعانه شکل گرفته است، که طبیعتاً مسیر توسعه اقتصادی کشور را با چالش مواجه می‌کند. آنچه ما به‌عنوان فعالان اقتصادی استان انتظار داریم، استفاده از بانک به‌عنوان ابزاری مؤثر برای توسعه پایدار و رونق تولید در کشور است. در شرایط کنونی، مهم‌ترین مطالبه استان ما افزایش سهم تسهیلات تخصیصی به بنگاه‌های اقتصادی داخلی است؛ به‌عبارتی، لازم است حداقل بخشی از منابع مالی بانک‌ها به‌طور مستقیم در استان تزریق و به چرخه تولید بازگردد. متأسفانه، بانک‌ها همواره صنعت احداث را به‌عنوان واحدهای تولیدی تلقی نمی‌کند و به همین دلیل، این بخش همواره مغفول باقی مانده است.

امروز مشکلات موجود در حوزه انرژی و زیرساخت‌ها به دلیل بی‌توجهی به صنعت احداث = بوده است. این موضوع نیازمند بازنگری جدی و سیاست‌گذاری هدفمند برای حمایت ویژه از این بخش مهم اقتصادی است تا بتواند نقش واقعی خود را در توسعه استان ایفا کند.

از سال ۱۳۹۵ تاکنون، پیگیری‌های مکرر ما در خصوص اجرای مصوبه شورای کد اعتبار درباره گشایش اعتبار اسناد داخلی و ریالی نزد بانک مرکزی بی‌نتیجه باقی مانده است. این مصوبه یکی از ابزارهای کلیدی برای تسهیل و تقویت مشارکت بخش‌های عمومی و خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود.

علاوه بر این، استفاده بهینه از ابزارهای مالی نظیر مفاد بند ۱۰۴۲.۵۲ در مقررات بانکی می‌تواند نقش مؤثری در مدیریت و تسهیل تعاملات مالی میان بانک‌ها و فعالان اقتصادی ایفا کند. متأسفانه، عدم اجرای این موارد باعث ناامیدی در میان فعالان بخش خصوصی شده است.



بنابراین تا زمانی که بسترهای قانونی و اجرایی اصلاح نشوند، بار و تبعات سنگین آن متوجه بخش خصوصی خواهد بود و این روند، مانع تحقق توسعه پایدار و رونق اقتصادی در کشور خواهد شد.

آرش نگهبان؛ اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان: تسهیلات موضوع «رونق تولید» یکی از محورهای کلیدی مصوبات مرتبط با حمایت از بخش اقتصادی است که بانک مرکزی نیز به صورت رسمی بر آن تأکید دارد. با این حال، متأسفانه در استان ما هیچ‌یک از بانک‌ها نسبت به پرداخت تسهیلات موضوع «رونق تولید» تمکین نکرده و این تسهیلات، علی‌رغم وجود مکاتبات رسمی بانک مرکزی مبنی بر پایدار بودن و اهمیت آن، اجرایی نشده است.

از این رو، ضرورت دارد در مکاتبات رسمی و پیگیری‌های بعدی از بانک مرکزی، موضوع عدم تمکین بانک‌ها به تسهیلات رونق تولید به طور ویژه مطرح شده و خواستار اقدام جدی و نظارت دقیق بر اجرای این بخشنامه‌ها شویم تا منابع مالی به صورت واقعی در خدمت توسعه و رونق تولید قرار گیرد.

جواد بحری‌پور؛ معاون ارزی امور شعب بانک ملی و رئیس محترم کمیسیون هماهنگی بانک‌های استان: در برنامه سوم توسعه (سال‌های ۷۹ تا ۸۳)، با توجه به افزایش قابل توجه فروش نفت و درآمدهای بالا، منابع ارزی کشور به حدی افزایش یافته بود که دولت با چالش مدیریت این حجم منابع مواجه بود. در آن دوره، بسیاری از خریدها به صورت یوزانس انجام می‌شد و محدودیتی برای تأمین مالی از منابع ارزی وجود نداشت.

یوزانس‌ها معمولاً به شکل ریفاینانس‌های ۳۶۰ روزه با نرخ بهره لایبور به علاوه یک درصد (که در آن زمان لایبور حدود ۲ درصد بود و در مجموع نرخ بهره ۳ درصد می‌شد) انجام می‌گرفت. همچنین نرخ ارز ثابت بود. حجم بالایی پیشنهادهای ریفاینانس به حدی بود که بسیاری از آنها بدون استفاده باقی می‌ماند.

در گذشته، چنین دغدغه‌ها و مشکلاتی در رابطه با نظام بانکی وجود نداشت و عملاً نیازی به مراجعه به بانک‌ها احساس نمی‌شد. لازم است تأکید کنم که صحبت من درباره بانک‌های خصوصی نیست و قضایای هم در این زمینه ندارم. بلکه منظور شورای هماهنگی بانک‌های استان است که شامل بانک‌های دولتی و خصوصی می‌شود و اعضای شورای هماهنگی نیز در این حوزه حضور دارند.

تا پایان سال ۱۴۰۳، ما با کاهش نرخ سپرده قانونی از ۱۳ درصد به ۹ درصد مواجه شده‌ایم و به‌رغم این کاهش، بیش از ۱۰۷ درصد منابع بانک‌ها مصرف شده است. برای این موضوع مستندات و آمار دقیقی وجود دارد. در واقع، بانک مرکزی حدود ۲۲ درصد بالاتر از مجوز خود عمل کرده و در مقابل، با جریمه ۳۷ درصدی ما را مواجه ساخته که این موضوع منجر به ناترازی بانک‌ها شده است.

می‌توان گفت ما خواستار توزیع عادلانه منابع هستیم. در بررسی عملکرد بانک‌های احداث طی سال گذشته نیز مشاهده شده که هیچ سند جدیدی ارائه نشده است. باید بپذیریم که بخشی از مشکلات موجود متوجه خودمان نیز می‌باشد. ما مخالف توسعه نیستیم، اما در شرایط فعلی، فردی که چهار واحد تولیدی‌اش دچار مشکل نقدینگی است، چگونه می‌تواند واحد تولیدی جدیدی احداث کند؟

هر چند که بانک‌ها را نقد می‌کنیم، باید توجه داشت که تا زمانی که منابع کافی در اختیار ندارند، طبیعتاً توانایی پرداخت تسهیلات نیز نخواهند داشت. از اسفند ۱۴۰۲، بانک مرکزی سیاست کاهش سپرده قانونی به ۳۰ درصد را اعلام کرد و خواستار پرداخت تسهیلات از تاریخ ۲۳ اسفند شد، اما در نهایت پرسیده می‌شود که چرا بانک‌ها ناتراز هستند.



فرم گزارش کارشناسی

(پیوست شماره ۱) دستورالعمل تشکیل و نحوه اداره جلسات شوراهای استانی گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی

با توجه به انقباض تسهیلات، بسیاری از بانک‌ها از اعتبار اسناد استفاده کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، یکی از شعبات ما در تبریز حدود ۵۰۰۰ میلیارد تومان مطالبات از اعتبارات اسناد سال گذشته دارد. همچنین، دو سال قبل میزان تسهیلات پرداختی برابر با ۱۰ برابر میانگین ۶ ماهه بوده، ولی اکنون این رقم به ۲.۵ برابر کاهش یافته است. این امر ناشی از سیاست‌های کلی بانک مرکزی است که بر اساس آن، هر بانک اعتباری به نسبت منابع خود عمل می‌کند. در شرایط کنونی، بانک‌ها قادر به تأمین مالی تولید نیستند. اگر وضعیت درآمدی، ذخایر ارزی و شرایط اقتصادی کشور همانند اواخر دهه ۸۰ بود، قطعاً شرایط امروز اینگونه نبود. باید گفت بسیاری از تخلفات و مشکلات موجود، ناشی از ناچاری و فشارهای اقتصادی است. در حال حاضر، کل بدنه دولت درگیر پرونده‌های ارزی بوده و شرایط اقتصادی کشور بسیار پیچیده و حساس است. بنده دسترسی کامل و شفاف به منابع و مصارف شورای هماهنگی بانک‌های دولتی دارم، به استثنای موارد تکلیفی و اجباری مانند وام‌های فرزندآوری و تسهیلات تکلیفی که با نرخ ۱۴ درصد پرداخت می‌شوند. مسئله اصلی ما نیاز به توزیع عادلانه منابع، افزایش سهم استان‌ها و تفویض اختیارات بیشتر به بانک‌های استانی است. همچنین لازم است خودمان نیز به واحدهای تولیدی فعال و احداثی که در حال حاضر با مشکل نقدینگی مواجه هستند، کمک کنیم تا بتوانند پروژه‌هایشان را به سرانجام برسانند. واقعیت این است که پول و منابع موجود باید به شکل مؤثر و هدفمند در اختیار این فعالین اقتصادی قرار گیرد تا علاوه بر حفظ توان تولید، رشد و توسعه استان را نیز تضمین کنیم. رضا جعفری؛ رئیس محترم انجمن صنایع غذایی: با توجه به مشکلات عدیده فعالان اقتصادی در تأمین مالی و نقش حیاتی این موضوع در توسعه پایدار استان، به منظور بهبود فرآیندها و ارتقای کارایی نظام بانکی، موارد و پیشنهادات مطرح شده در جلسه جمع‌بندی شده و در جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان طرح و از طریق مراجع ذی‌ربط پیگیری خواهد شد. امید است با توجه ویژه مسئولین ذی‌ربط، اصلاحات فوق‌الذکر در چارچوب قانون و با همکاری بخش خصوصی و نهادهای اجرایی به اجرا گذاشته شود تا موجبات رونق تولید و توسعه پایدار استان فراهم شود.	
۱- با توجه به محدودیت‌های فعلی در تأمین مالی واحدهای تولیدی و نقش تعیین‌کننده نرخ سپرده قانونی در میزان منابع در دسترس بانک‌ها برای اعطای تسهیلات، سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی کاهش یابد تا منابع بیشتری برای تأمین سرمایه در گردش و حمایت از تولیدکنندگان در دسترس قرار گرفته و اثر منفی محدودیت نقدینگی بر ظرفیت تولید و اشتغال کاهش یابد. ۲- با توجه به محدودیت‌های موجود در ظرفیت اعتباری بانک‌ها و محدودیت سقف مجاز تسهیلات‌دهی، افزایش این سقف ضروری است تا بانک‌ها بتوانند به شکل مؤثرتری از تولید و فعالیت‌های مولد اقتصادی حمایت کرده، در تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها و تقویت اشتغال نقش‌آفرینی نمایند، بدون آنکه ثبات پولی و کنترل نقدینگی در نظام بانکی تحت تأثیر قرار گیرد. ۳- با عنایت به ضرورت تقویت دسترسی بخش تولید، به‌ویژه واحدهای کوچک و متوسط، به منابع مالی و افزایش اثربخشی کانال‌های تخصیص اعتبار بانک‌های خصوصی، این بانک‌ها موظف شوند حداقل ۵۰ درصد از منابع سپرده‌ای قابل تخصیص خود را در همان استان محل جذب سپرده اختصاص دهند. این اقدام ضمن افزایش تمرکز مالی بر ظرفیت‌های تولیدی محلی، هم‌راستا با	پیشنهادهات



فرم گزارش کارشناسی

(پیوست شماره ۱) دستورالعمل تشکیل و نحوه اداره جلسات شوراهای استانی گفتگوی دولت و بخش خصوصی

اهداف بخشنامه شماره ۱ بانک مرکزی مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۲۵ در تأمین مالی توانان طرح‌های توسعه‌ای ملی و منطقه‌ای، امکان مدیریت ریسک اعتباری و بهبود توزیع منابع بین استان‌ها را فراهم می‌سازد.

۴- با توجه به گزارش فعالان اقتصادی و ضرورت پایش اثربخشی تخصیص منابع بانکی، بانک‌های خصوصی موظف شوند اطلاعات و داده‌های مرتبط با عملکرد اعتباری خود به واحدهای تولیدی، به ویژه در چارچوب تکالیف قانونی و ضوابط بخشنامه‌ها، به صورت شفاف و منظم در اختیار مراجع ذی‌صلاح از جمله استانداری‌ها، شورای هماهنگی بانک‌ها و اتاق‌های بازرگانی قرار دهند تا امکان ارزیابی دقیق انطباق فعالیت‌های بانک‌ها با سیاست‌های اعتباری و تقویت حمایت مالی از تولید فراهم شود.

۵- به منظور افزایش منابع قابل تخصیص به بخش تولید و تقویت حمایت مؤثر از کسب‌وکارهای مولد، هرگونه فعالیت بانک‌ها در زمینه سرمایه‌گذاری غیرمولد، از جمله خرید و سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات، متوقف و محدود شود و منابع بانکی صرفاً در مسیر تأمین مالی تولید و فعالیت‌های مولد هدایت شود. این اقدام با هدف ارتقای نقدینگی در چرخه تولید و افزایش کارایی نظام بانکی در خدمت به اقتصاد واقعی انجام می‌شود.

۶- با توجه به مشکلات ایجاد شده در بانک آینده و تأثیر آن بر پایداری نظام بانکی، ضروری است وضعیت این بانک به صورت شفاف، جامع و قطعی تعیین تکلیف شود. مشکلات ناترازی و بدهی‌های معوق مرتبط با این بانک، در حال حاضر اختلال قابل توجهی در عملکرد کل نظام بانکی کشور ایجاد کرده و مانع از تخصیص بهینه منابع و اجرای سیاست‌های اعتباری مؤثر شده است. اتخاذ تصمیم نهایی و اجرای سازوکارهای اصلاحی لازم، به منظور بازگرداندن ثبات و اعتماد در شبکه بانکی و تضمین کارایی جریان نقدینگی، ضرورت دارد.

۷- با توجه به اینکه بلوک کردن بخشی از تسهیلات طبق بخشنامه شماره ۰۰/۳۷۵۵۱۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۳ بانک مرکزی به طور صریح ممنوع است، اما برخی بانک‌ها از اجرای آن خودداری می‌کنند، اجرای این قانون باید فوراً و با جدیت پیگیری شود. بانک‌های متخلف باید مشمول اقدامات نظارتی و پیگرد قانونی قرار گیرند تا منابع تسهیلاتی به طور کامل در اختیار واحدهای تولیدی و فعالیت‌های مولد اقتصادی قرار گیرد.

۷- با توجه به اینکه نرخ‌های بالای سود تسهیلات بانکی در شرایط تورم سالانه حدود ۴۰ درصد، موجب کاهش جذابیت اقتصادی و محدودیت سرمایه‌گذاری در واحدهای تولیدی شده و بازپرداخت اصل و سود تسهیلات را به معضلی جدی تبدیل می‌کند، ضروری است نرخ‌های بهره بانکی با لحاظ نرخ تورم و شرایط واقعی اقتصاد کشور مورد بازنگری و تعدیل قرار گیرد تا کارکرد حمایتی نظام بانکی از تولید و فعالیت‌های مولد اقتصادی تقویت شده و امکان سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌های اقتصادی فراهم شود.

۸- با عنایت به اینکه محدودیت دریافت تسهیلات بانکی برای واحدهای تولیدی با تعهدات ارزی معوق، براساس ماده ۷ دستورالعمل مصوب ۱۴۰۳، موجب محدود شدن توان بازسازی سرمایه در گردش و مدیریت نقدینگی می‌شود، ضروری است این محدودیت‌ها با لحاظ شرایط واقعی واحدهای تولیدی تعدیل شود. به گونه‌ای که بانک‌ها بتوانند با رعایت انضباط اعتباری، منابع مالی لازم برای بازسازی ساختار مالی و تسویه بخشی از بدهی‌های معوق را در اختیار تولیدکنندگان قرار دهند تا جریان نقدینگی و پایداری فعالیت‌های اقتصادی حفظ شود.

۹- با توجه به اهمیت حیاتی طرح‌های تسهیلاتی پیش‌بینی شده در طرح رونق تولید برای تقویت سرمایه در گردش، افزایش نقدینگی عملیاتی و ارتقای ظرفیت تولیدی واحدهای صنعتی و تولیدی، دستگاه‌های مسئول موظف‌اند محدودیت‌های ساختاری موجود شامل فرآیندهای پیچیده تخصیص منابع، نبود شفافیت در معیارهای انتخاب پروژه‌ها و ضعف هماهنگی میان بانک‌ها و نهادهای سیاست‌گذار را به سرعت برطرف کنند. همچنین، سازوکار اجرایی طرح‌ها باید به گونه‌ای طراحی شود که تخصیص



تسهیلات بدون تأخیر و کامل انجام گیرد و اثر آن بر جریان نقدینگی و توسعه تولید در سطح بنگاه‌ها به شکل ملموس و عملیاتی تحقق یابد.

۱۰- با وجود صدور بخشنامه‌ها و اعلام اجرای ماده ۶ بسته حمایتی موضوع مصوبه شماره ۱۳۴۰۰ هیأت وزیران توسط مراجع ذی‌ربط، تأمین تسهیلات مالی برای واحدهای تولیدی اولویت‌دار تاکنون عملاً محقق نشده است. لذا دستگاه‌های اجرایی و نظام بانکی مکلفاند اجرای مفاد ماده مذکور از جمله تمدید تسهیلات، افزایش سقف اعتبارات و رفع محدودیت‌های خدمات بانکی را فوراً عملیاتی کرده و گزارش عملکرد آن را به مراجع نظارتی ارائه نمایند. این اقدام ضروری است تا فاصله میان تصویب قانونی سیاست‌ها و عملیاتی شدن آن‌ها در عمل برطرف شود و حمایت‌های مالی پیش‌بینی شده به طور واقعی در اختیار واحدهای تولیدی قرار گیرد.

۱۱- با عنایت به نقش محوری سرپرست بانک‌ها در هدایت منابع مالی و نظارت بر عملکرد واحدهای اعتباری، اختیارات سرپرستی بانک‌ها در سراسر کشور افزایش یابد. افزایش این اختیارات، ضمن ارتقای سرعت و اثربخشی تخصیص منابع مالی، امکان حمایت هدفمند و مستمر از تولید و فعالیت‌های مولد اقتصادی را فراهم کرده و ثبات و کارایی نظام بانکی را تقویت می‌کند.

۱۲- با عنایت به اختیارات قانونی و مأموریت‌های ناظر پولی در استان‌ها، به منظور تضمین تخصیص مؤثر منابع بانکی و ارتقای کارایی سیاست‌های اعتباری، بانک مرکزی اختیارات ناظران پولی مستقر در استان‌ها شامل تصمیم‌گیری فوری و مستقل در صدور و تعیین سقف تسهیلات بانکی متناسب با شرایط و ظرفیت اقتصادی هر استان، پایش مستمر و تحلیلی عملکرد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، اعمال اقدامات اصلاحی و ارائه توصیه‌های راهبردی و تخصیص منابع به شکل هدفمند، تقویت کرده و ناظران پولی به‌عنوان ضامن پایداری و توسعه اقتصادی استان‌ها نقش محوری ایفا کنند.

۱۳- پیشنهاد می‌شود نظام مشوق‌های مالیاتی به‌گونه‌ای طراحی شود که شرکت‌هایی با حداقل ۵۰ درصد گردش مالی در استان از تخفیف ۱۵ تا ۲۰ درصدی مالیات برخوردار شوند و در مقابل، شرکت‌هایی با سهم کمتر از این میزان از تخفیف بهره‌مند نشوند یا حتی مشمول مشوق‌های منفی مالیاتی گردند. اجرای این سیاست می‌تواند منجر به افزایش توان مالی استان و تقویت چرخه تولید شود.

۱۴- در حال حاضر منابع مالی فروشگاه‌های زنجیره‌ای عمدتاً در تهران متمرکز است که این امر منجر به تعطیلی واحد فروشگاه‌های کوچک بسیاری در استان شده است. پیشنهاد می‌شود وزارت صنعت، معدن و تجارت با اعمال نظارت مؤثر و تدوین سیاست‌های مشخص، فروشگاه‌ها را ملزم به انتقال حساب‌های مالی به استان نماید تا از ظرفیت بانک‌های استانی در تأمین نقدینگی، حمایت از کسب و کارهای محلی و جلوگیری از رکود اقتصادی بهره‌برداری شود.

۱۵- پیشنهاد می‌شود با اعمال مشوق‌های مالیاتی، حساب‌های شرکت‌های بیمه که خارج از استان متمرکز هستند به استان منتقل شود تا از این طریق توان مالی بانک‌های استانی تقویت شده و ظرفیت تأمین مالی و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی محلی افزایش یابد.

۱۶- پیشنهاد می‌شود اعطا تسهیلات تکلیفی صرفاً از طریق یک بانک مشخص انجام شود تا آن بانک به‌طور کامل مسئول اجرای این سیاست باشد و سایر بانک‌ها درگیر الزامات آن نشوند. و یا اینکه درصد معینی از منابع هر بانک به تسهیلات تکلیفی اختصاص یابد و بانک‌ها بتوانند سایر منابع خود را به تأمین مالی بخش تولید و فعالیت‌های مولد اقتصادی هدایت کنند.



فرم گزارش کارشناسی

(پیوست شماره ۱) دستورالعمل تشکیل و نحوه اداره جلسات شوراهای استانی گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی

۱- بخشنامه بانک مرکزی، مصوب ۱۳۹۹/۰۱/۲۵ هیأت عامل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	فهرست مستندات و مدارک پشتیبان
۲- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات	
۳- قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور	
۴- قانون پولی و بانکی کشور	
۵- دستورالعمل ایجاد محدودیت در ارائه خدمات بانکی برای عدم ایفای تعهد صادرکنندگان	
۶- مصوبه شماره ۱۳۴۰۰ هیأت وزیران ۱۴۰۴	